

Conclusion of Contracts through Electronic Agents in Iranian Law and International Instruments

1. Mohammad Ali Moeiniyan: Ph.D. student in private law, Department of Law, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.
2. Yousef Darvishi Hoveyda*: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dr.darvishihoveyda.yousef@hotmail.com
3. Mohsen Hasanpour: Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ABSTRACT

The increasing use of electronic contracts concluded through electronic agents creates new needs for legal subjects to which the law must provide adequate responses. The issue of electronic agency within the framework of electronic contracts is a relatively novel legal discussion and constitutes a universal matter in the field of commerce. In contracts concluded in the real world by agents on behalf of the contracting parties, the question of agents' liability is relatively clear in most legal systems due to the defined nature of their legal personality and the legal relationship they maintain with the principal. However, in electronic contracts, both the nature of electronic agents and the legal nature of their relationship with the contracting parties face considerable controversy among jurists, owing to the absence of explicit legal provisions or the ambiguity and insufficiency of existing regulations. Consequently, the validity of contracts concluded through such mechanisms, as well as the liability of electronic agents, remains uncertain. Accordingly, this study, conducted through a descriptive-analytical method and relying on library sources, seeks to examine international instruments and compare them with domestic law in order to clarify the validity of such transactions and the liability of electronic agents. The findings indicate that although domestic legislation does not sufficiently address this matter, by reference to international instruments and the necessity of consumer protection, it must be recognized that electronic contracts concluded through electronic agency are valid. On this basis, there is no need for human confirmation of all actions performed by electronic agents.

Keywords: *Electronic contract, electronic agent, international instruments, domestic law.*

How to cite: Moeiniyan, M. A., Darvishi Hoveyda, Y., & Hasanpour, M. (2025). Conclusion of Contracts through Electronic Agents in Iranian Law and International Instruments. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 324-347.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 December 2024
Revise Date: 01 April 2025
Accept Date: 08 April 2025
Publish Date: 12 October 2025



انعقاد قرارداد از طریق نماینده الکترونیکی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

۱. محمدعلی معینیان: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. یوسف درویشی هویدا: استادیار گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

dr.darvishihoveyda.yousef@hotmail.com

۳. محسن حسن‌پور: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

استفاده روز افزون از قراردادهای الکترونیکی که از طریق نمایندگان الکترونیکی انجام می‌شود، نیازهای جدیدی را برای تابعان حقوق ایجاد می‌نماید که حقوق باید بدانها پاسخگو باشد. بحث نمایندگی الکترونیکی در راستای قراردادهای الکترونیک از جمله مباحث حقوقی است که نسبتاً نوظهور بوده و مسئله‌ای جهانی و عام‌الشمول در تجارت است. در قراردادهایی که در دنیای واقعی به وسیله نمایندگان اطراف قرارداد منعقد می‌شود، بحث مسئولیت نمایندگان به جهت مشخص بودن ماهیت وجودی آن‌ها و ماهیت ارتباط حقوقی ایشان با اصیل در اکثر نظام‌های حقوقی نسبتاً مشخص است. لکن بدین جهت که در قراردادهای الکترونیک، هم ماهیت نمایندگان الکترونیک و هم ماهیت حقوقی ارتباط آنان با اطراف قرارداد با اختلاف نظرهای فراوانی از سوی حقوقدانان در خلأ قوانین یا ابهام و اجمال مقررات موجود روبروست، مسئله صحت قرارداد منعقد و مسئولیت نماینده الکترونیک نیز مبهم است. بر این اساس در مطالعه حاضر که به روش تحلیلی توصیفی و از طریق منابع کتابخانه‌ای انجام شده، سعی بر این گشته تا با مطالعه اسناد بین‌المللی و تطبیق آن با حقوق داخلی، وضعیت صحت اینگونه معاملات و مسئولیت نماینده الکترونیک مشخص گردد. یافته‌ها حاکی از این امر است که اگرچه قوانین داخلی جوابگوی پاسخ به این مهم نیست، لکن با مراجعه به اسناد بین‌المللی و لزوم حمایت از مصرف‌کنندگان، باید پذیرفت قراردادهای الکترونیکی که از طریق نمایندگی الکترونیکی منعقد می‌شوند صحیح بوده و بر این اساس نیازی به تأیید انسان برای تمام اعمالی که توسط نماینده الکترونیک انجام می‌شود، وجود ندارد.

واژگان کلیدی: قرارداد الکترونیکی، نماینده الکترونیکی، اسناد بین‌المللی، حقوق داخلی.

نحوه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۴). انعقاد قرارداد از طریق نماینده الکترونیکی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۳۲۴-۳۴۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۰ مهر ۱۴۰۴

امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات محور توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف قرار گرفته است و تجارت الکترونیکی یکی از نموده‌های عینی انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه‌های اقتصادی است. ظهور اینترنت و تجاری شدن آن در دهه‌های اخیر شیوه‌های سنتی تجارت را متحول کرده است. تجارت الکترونیکی انقلابی در شیوه‌ها و رویه‌های تجاری گذشته ایجاد کرده و سرعت و صرفه‌جویی را به بهترین وجه جامه عمل پوشانده است. در محیط الکترونیکی، فاصله‌های جغرافیایی و محدودیت‌های زمانی و مکانی از بین می‌رود و مبادلات تجاری بر پایه اطلاعات الکترونیکی انجام می‌شود. تجارت الکترونیکی با رفع موانع فراروی تجارت بین‌الملل، روند تجارت جهانی را تسریع می‌کند. تجارت الکترونیکی از مزایا و پیامدهای اقتصادی مهمی از قبیل گسترش بازار، کاهش قیمت منابع تولید، ارتقای بهره‌وری، کاهش هزینه‌های مبادلاتی، ایجاد اشتغال و کاهش تورم برخوردار است و در رشد درون‌زای اقتصادی نقش محوری دارد.

مزایای فراوان تجارت الکترونیکی سبب شده است که کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهای در حال توسعه آن را ابزاری برای رقابت در عرصه داخلی و بین‌المللی قرار دهند. نبود راهبرد تجارت الکترونیکی نتیجه‌ای جز انزوا در عرصه اقتصاد جهانی به دنبال نخواهد داشت. گسترش روزافزون حجم تجارت الکترونیکی در جهان، استفاده بنگاه‌های اقتصادی از آن و اقبال تدریجی مصرف کنندگان به آن بیانگر مزایای بالقوه تجارت الکترونیکی در عرصه‌های اقتصادی و تجاری است؛ بنابراین راهی جز تلاش مستمر برای استفاده از آن در فعالیت‌های اقتصادی متصور نیست. تحقیقات نشان می‌دهد موفقیت تجارت الکترونیکی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نتیجه بسترهای مناسب الکترونیکی در این کشورهاست. بسترهای الکترونیکی شامل فرصت‌های مبتنی بر اینترنت، کیفیت زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات، فعالیت‌های دولت و درجه تسهیل تجاری است.

شایان ذکر است که در عبارت قراردادهای الکترونیکی، واژه الکترونیکی درست است نه الکترونیک؛ چون در زبان فارسی - همان گونه که فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب کرده است - الکترونیک نام «شاخه‌ای از دانش و فناوری است که به مطالعهٔ رسانش^۱ الکتریسته در گازها یا خلأ یا مواد نیم رسانا و رسانا و نیز طراحی و ساخت و کنترل وسایل مربوط می‌پردازد» (Word Selection Group of Farsi, Language and Literature Academy, 2008). چنان که فیزیک نیز نام شاخه‌ای از دانش با موضوع مطالعه خصایص عمومی اجسام و قوانینی است که موجب تعدیل وضع یا حرکت آن‌ها می‌شود؛ بدون اینکه تغییری در طبیعت آن‌ها ایجاد شود (Moeen, 2006). همان‌طور که در فارسی برای وصف منسوب به دانش فیزیک از واژه فیزیکی استفاده می‌کنیم و برای مثال می‌گوییم از نظر فیزیکی، جنبه‌های فیزیکی، برخورد فیزیکی و... یا برای منسوب به الکتریک، واژه الکتریکی را به کار می‌بریم و برای مثال می‌گوییم مغازه لوازم الکتریکی در صفت منسوب به الکترونیک هم باید از واژه الکترونیکی استفاده کنیم. مجلس شورای اسلامی هم به این نکته توجه کرده و عنوان‌های تجارت الکترونیکی، واسطه‌های الکترونیکی، امضای الکترونیکی، پست الکترونیکی، سابقه الکترونیکی، گواهی الکترونیکی، مبادلات الکترونیکی و محیط الکترونیکی را در متن قانون به کار برده است؛ بنابراین به کار بردن عبارت تجارت الکترونیک برای معادل Electronic Commerce در برخی متون، اعلامیه‌ها و عنوان برخی کتب و همایش‌ها صحیح نیست. معادل انگلیسی تجارت الکترونیک، عبارت Commerce of Electronic است که نظیر عبارت‌ها تجارت فرش، تجارت غله و تجارت فولاد، موضوع تجارت را نشان می‌دهد نه چگونگی انجام دادن

¹ Conduction

آن را؛ در حالی که تجارت الکترونیکی (EC) معطوف به چگونگی انجام عمل تجاری است نه موضوع آن (Shakouri Moghaddam, 2005).

انعقاد قراردادهای الکترونیکی و افزایش روز افزون آن‌ها در بازارهای جهانی و به تبع آن بازارهای داخلی باعث شده تا استفاده از آن برای حفظ بازار و باقی ماندن در صحنه رقابت دنیای تجارت به یک ضرورت تبدیل شود؛ از طرفی وجود تشابهات و تفاوت‌هایی در تحقق ارکان و نحوه انعقاد این نوع قراردادهای سستی موجب می‌گردد تا ضمن بررسی وضعیت حقوقی قراردادهای الکترونیکی ارکان آن از جمله نحوه ایجاب و قبول مورد تحقیق قرار گیرد. همچنین نحوه تراضی و بررسی زمان و مکان انعقاد قرارداد با عنایت به انجام آن در فضای مجازی یا به صورت الکترونیکی ضرورت بررسی دارد از این رو در این تحقیق نگارنده قصد دارد در مباحث جداگانه‌ای به تأثیر اصل رضایی بودن قرارداد بر انعقاد قراردادهای الکترونیکی، جواز بیان اراده به وسیله ابزار الکترونیکی، اهلیت، ایجاب و قبول الکترونیکی بررسی دعوت به معامله با ایجاب و ویژگی‌های هر یک از این دو تفسیر در این نوع قراردادهای شیوه قبول و اهمیت ویژه آن در معاملات الکترونیکی بررسی موقعیت مکانی و زمان تشکیل قراردادهای الکترونیکی با مد نظر قرار دادن نظریه‌های مطرح در معاملات از راه دور و کنوانسیون‌های بیع بین المللی کالا و ۲۰۰۵ ژنو و دیگر موارد مرتبط و ضروری در این خصوص پردازد. همچنین گسترش روز افزون تجارت الکترونیک شناخت جنبه‌های حقوقی آن را ضروری می‌سازد در فضای الکترونیکی، دوری و نزدیکی فیزیکی مفهومی ندارد و اشخاص می‌توانند از هر نقطه از جهان و در هر لحظه از زمان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و مبادرت به انعقاد قرارداد نمایند این وضعیت مسئله‌ی تعیین زمان و مکان تشکیل قراردادهای الکترونیکی را مطرح می‌سازد. گرچه این مسائل در قراردادهای سستی نیز مطرح اند، اما پاسخ‌ها لزوماً یکسان نیست. وانگهی در کشور ما تاکنون تلاشی جدی برای شناساندن قراردادهای الکترونیکی انجام نشده است از این رو درباره‌ی مفهوم و گستره‌ی آن نیز مباحث مهمی قابل طرح می‌باشد.

هر چند در قراردادهای الکترونیکی به دلیل بالا بودن سرعت عملیات فاصله میان ارسال و دریافت پیام بسیار اندک است اما ممکن است به علت اشکالات فنی نقص دستگاه‌ها یا ترافیک شبکه‌ها، گاه یک داده پیام پس از چند روز به مخاطب واصل شود. تعیین زمان و مکان تشکیل قرارداد نتایج حقوقی متعددی را در بر دارد که می‌توان به تشخیص مبدأ جریان آثار عقد، عدم امکان رجوع از ایجاب و قبول تعیین قانون حاکم بر آن و تشخیص دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلافات قراردادی طرفین اشاره نمود همچنین در سیستم‌هایی که مکان وقوع عقد تابعی از زمان آن است تعیین زمان عقد مهم و ضروری است.

رهبری و رضائی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش نمایندگان الکترونیکی در تشکیل قرارداد» با بررسی مفهوم نمایندگان الکترونیکی، ماهیت حقوقی آن را به بحث گذاشته‌اند و در نهایت بدین نتیجه دست یافته‌اند که نماینده الکترونیکی تنها یک وسیله برای تشکیل قرارداد است و در حقیقت این اراده کاربر است که اقدامات نماینده الکترونیک منتسب به کاربر است (Rahbari & Rezaee, 2012). مقامی‌نیا در سال ۱۳۹۱ در مقاله «نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی‌های آن»، به بررسی شکل و ماهیت انعقاد قراردادهای الکترونیکی، با توجه به قواعد و مقررات عمومی و سازگاری تطبیق قوانین موجود بر این نوع از قراردادها نموده است (MaghamiNiya, 2012). حبیب‌زاده نیز در سال ۱۳۹۲ در مقاله «وضعیت حقوقی نماینده الکترونیکی در انعقاد قراردادهای الکترونیکی» سعی بر این داشته بدین سوال پاسخ دهد که آیا نماینده الکترونیکی شخصیت حقوقی مستقل داشته یا صرفاً یک ابزار ارتباطی بین متعاملین است (Habibzadeh, 2013). شریفی و بیرمی نیز در مقاله «ماهیت حقوقی نمایندگان هوشمند در عرصه قراردادهای الکترونیکی» در سال ۱۳۹۷، با بحث درباره نظریات مختلفی که

در خصوص اهلیت و اراده نمایندگان الکترونیک مطرح است بدین نتیجه رسیده‌اند که باید نماینده هوشمند را یک شخص حقوقی دانست (Sharifi & Beyrami, 2018). لکن در تمامی این مقالات وضعیت قراردادهای الکترونیک همراه با نقشی که نمایندگان الکترونیک در آن بازی می‌کنند به صورت توأمان مد نظر نویسندگان قرار نگرفته است و از اینرو پژوهش حاضر واجد نوآوری است.

در قانون مدنی، ایران مقرراتی درباره زمان و مکان انعقاد عقد وضع نشده است. انعقاد قرارداد در فضای مجازی نیز بر دشواری‌های تعیین زمان و مکان تشکیل قرارداد که تاکنون در قراردادهای سنتی مطرح بوده‌اند افزوده است. قانون تجارت الکترونیکی ایران (۱۳۸۲) به این مسئله توجه ننموده و آن را به قواعد عمومی واگذار کرده است. در این قانون تنها زمان و مکان ارسال و دریافت داده پیام مورد توجه قرار گرفته است. از اینرو تلاش می‌شود در این پژوهش با جمع‌آوری نظریات مختلف در این زمینه و نقد و بررسی آن‌ها و با در نظر گرفتن قوانین ناظر بر تجارت الکترونیکی نظریه‌ای که با نظام حقوقی ایران و همچنین با طبع قراردادهای الکترونیکی سازگارتر است انتخاب گردد. نکته دیگر بحث، نمایندگی در این نوع قراردادهاست؛ با توجه به اینکه نحوه تنظیم و انعقاد این گونه قراردادها از حالت معمولی و حضوری طرفین خارج شده و به وسیله دستگاه‌های الکترونیکی و از راه‌های دور ایجاب و قبول واقع می‌شود، لذا جایگزین شدن ابزار الکترونیکی و نرم افزارهای ایجاد شده برای این نوع قراردادها یکی از لوازم ضروری در انعقاد قرارداد می‌باشد که بحث نمایندگی الکترونیکی را پرننگ کرده است. بدین سبب ضمن بررسی قوانین موضوعه از جمله قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیک این مسأله بررسی خواهد شد که نماینده الکترونیکی در این رسته از قراردادها چه جایگاهی دارد و این که آیا این نماینده نیز همانند طرفین عقد باید دارای اهلیت قانونی باشد یا خیر؟ همچنین این که اصولاً در قراردادهای الکترونیک این نمایندگی چگونه قابل تصور و توجیه است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای جهت نگارش مقاله استفاده شده است.

بحث

برای ورود به بحث ابتدا بهتر است واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی امر تعریف شوند. بدین منظور در قسمت اول بحث بدین امر می‌پردازیم.

۱. اصطلاحات فنی و تخصصی تحقیق

از آنجایی که بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات، معانی گوناگونی دارند، محقق در کاربرد آن‌ها در تحقیق خود ناگزیر به تعریف آنهاست. زیرا ممکن است در بعضی موارد واژه یا اصطلاح ویژه‌ای مفهومی را به خواننده عرضه کند که اصولاً مورد توجه محقق نباشد، یا احتمالاً واژه و اصطلاح خاصی برای خواننده، بیگانه و نامفهوم باشد. بنابراین محقق موظف به تعریف واژه‌ها و مفاهیم فنی و تخصصی می‌باشد که برخی از آن‌ها را در ذیل مورد اشاره قرار گرفته است.

قرارداد الکترونیکی

قرارداد الکترونیکی در واقع مبادلات اقتصادی است که به صورت مستقیم از طریق اینترنت انجام می‌شود. الزاماً هیچ تعریف پذیرفته شده و معینی برای قرارداد الکترونیکی وجود ندارد با این حال قرارداد الکترونیکی به هرگونه معامله‌ای گفته می‌شود که در آن خرید و فروش کالا و یا خدمات از طریق اینترنت و فضای مجازی صورت پذیرد و به واردات و صادرات کالا یا خدمات منتهی شود. قرارداد الکترونیکی معمولاً

کاربرد وسیع تری دارد؛ یعنی تنها شامل خرید و فروش به وسیله اینترنت نیست؛ بلکه سایر جنبه‌های فعالیت تجاری مانند صورت برداری از کالاها، مدیریت تولید و تهیه و توزیع و جابه جایی کالاها و همچنین خدمات پس از فروش را نیز در بر می‌گیرد.

امضای الکترونیکی

عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده پیام است که برای شناسایی امضاکننده داده پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عقود غائبین در قراردادهای الکترونیکی

عقودی که ایجاب به وسیله قاصد یا نامه یا تلگراف فرستاده می‌شود. بنابراین معلوم است که ایجاب‌کننده و قبول‌کننده در دو مکان دور از هم قرار دارند و هریک از محضر دیگری غائب هستند. این عقد را از همین رو عقد غائبین می‌نامند.

۲. تفکیک قراردادهای الکترونیکی به اعتبار اشکال و شیوه‌های انعقاد

قراردادهای الکترونیکی در اشکال و شیوه‌های متعددی انعقاد می‌یابد. بدین سبب این قراردادها را به اعتبارهای گوناگونی از جمله موضوع قرارداد، طرفین عقد و اعتبار آن به چند نوع تقسیم می‌کنند. در ذیل به طور اجمال به این تقسیمات اشاره می‌کنیم.

قراردادهای رایانه‌ای و قرارداد توسط رایانه

دکترین بین‌المللی در حقوق رایانه‌ای بین قراردادهای رایانه‌ای و قراردادهایی که به وسیله ابزار الکترونیکی و (ملموس) و دیگر ابزار تکنولوژی ایجاد می‌شود تمایز قائل می‌شوند. در حالی که اولی اشاره دارد به قراردادهایی که مربوط به تجهیزات رایانه‌ای (قراردادهای پشتیبانی فنی، قراردادهای نگهداری و غیره)، اما مراد از قرارداد دوم، هر نوع قراردادی است که به طور صحیح به وسیله ابزار الکترونیکی و با استفاده از آن‌ها ایجاد می‌شود (Rosas, 2004).

تفکیک قراردادها به اعتبار تحویل موضوع قرارداد

قراردادهای الکترونیکی به اعتبار این که در تحویل کالا از طریق اینترنت باشد یا خارج از آن، به دو قسم تقسیم می‌گردد: در برخی موارد قرارداد از طریق اینترنت منعقد می‌گردد اما تحویل کالا و خدمات خارج از محیط اینترنتی صورت می‌گیرد. در مقابل در برخی از قراردادها، هم اصل قرارداد در محیط اینترنت صورت می‌گیرد و هم تحویل کالا و خدمات از طریق اینترنت انجام می‌گردد؛ مثل اطلاعات، نرم افزار و خدمات مشاوره‌ای و مانند آن. بلکه به نظر می‌رسد بتوان به اعتبار فوق سه نوع قرارداد را از هم تفکیک کرد.

«قراردادهای ارتباط اینترنتی»^۱ قسم اول در این تفکیک هستند. در این نوع قراردادها همانند فروش‌های از راه دور اجرای خدمات کاملاً خارج از شبکه انجام می‌گردد و فقط مذاکرات قراردادی از طریق اینترنت صورت می‌گیرد؛ همانند فروش از راه دور که صرفاً ارتباطات در اینترنت واقع می‌گردد.

«قرارداد خدمات اینترنتی»^۲ قسم دوم در این تفکیک هستند. ویژگی این نوع قراردادها در این است که اینترنت نه تنها یک وسیله ارتباطی است بلکه خدمات نیز از طریق اینترنت ارائه می‌شود؛ اما اجرای این خدمات در بیرون از فضای اینترنت به عمل در می‌آید همانند رزرو پرواز با دانلود نرم افزار.

¹ Internet Communications Contract

² Internet Service Contract

«قرارداد دسترسی»^۱ که سومین قسم این تفکیک هستند، به قراردادی گفته می‌شود که منظور دسترسی به پایگاه‌ها که ارائه دهندگان خدمات اینترنتی آن را منعقد می‌کنند (Börner et al., 2000).

۳. نمایندگی الکترونیک^۲ در قصد انشاء

پیدایش اینترنت و رایانه باعث پیشرفت و سرعت در انعقاد قراردادها از طریق سامانه‌های هوشمند شده است که روز به روز نرم افزارهای آن در حال پیشرفت و توسعه می‌باشد. امکان دارد طرف ایجاب کننده و مخاطب از سامانه‌های هوشمند برای انعقاد سریع قرارداد استفاده کنند. امروزه اداره و کنترل محیط اینترنتی توسط یک شخص و حتی چند شخص غیرممکن است از این جهت افراد برای سهولت و سرعت در انعقاد قراردادها از سامانه‌های هوشمند و خودکار استفاده می‌کنند. در رهگذر اعمال حقوقی از جمله قراردادهای الکترونیک، انسان برای رفع حوایج و نیازهای خود گاهی به هر علتی به نماینده نیاز دارد تا از این طریق برخی از وظایف خود را به شخص دیگری واگذار کند. لذا در این گفتار ماهیت نمایندگی الکترونیک در انعقاد قراردادها بررسی می‌شود. می‌توان گفت که این سامانه‌های هوشمند نماینده و وکیل اشخاص می‌باشند یا صرفاً ابزار و واسطه‌ای در قصد انشاء قراردادها هستند.

مفهوم نمایندگی

نمایندگی در لغت به معنی نماینده بودن، وکالت، آمده است. وکالت مصدر توکیل می‌باشد و به معنای تفویض امری به دیگری و نایب کردن آن شخص معنا شده است (Tarihi, 2018) و در قرآن نیز به این امر اشاره شده است (Ahzab/ 3). «در انعقاد قراردادها نماینده به اصطلاح می‌تواند به نام و به حساب اصیل در انعقاد قراردادی شرکت کند که آثار آن به طور مستقیم دامن گیر اصیل می‌شود» (Katouzian, 1999). در تعریفی دیگر نمایندگی را روابط محرمانه دانسته‌اند که از ظاهر رضایت از یک شخص به شخص دیگری حاصل می‌شود و دیگر کارها از جانب او اعمال می‌شود و تحت کنترل وی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر شخص رضایت می‌دهد تا عمل کند (Bellia, 2001). حال آنچه وب سایت‌ها را اداره و کنترل می‌کند یک «هوش مصنوعی» است که در نوشته‌های حقوقی از آن، تعبیر به «نماینده الکترونیک» می‌کنند (Habibzadeh, 2013). نهاد نمایندگی غیر از واسطه‌گری است که فقط وسیله‌ی رساندن و ابلاغ اراده یک طرف معامله به طرف دیگر است (Katouzian, 1999). مانند جایی که فرزند خردسالی پیام پدر خود را به مغازه دار سر کوچه اطلاع و ابلاغ می‌کند؛ در حالی که در نمایندگی اهلیت اصیل و نماینده هر دو شرط است (Amiri Ghaem Maghami, 1999)، بنابراین، نماینده به جهت قانونی در انعقاد قرارداد الکترونیک باید مانند اصیل قصد و اراده داشته باشد و همچنین باید اهلیت لازم را برای قصد انشاء داشته باشد. آیا در قراردادهای الکترونیک، سامانه هوشمند به عنوان نماینده، اراده در انشاء دارد؟ برای پاسخ بدین سوال باید ماهیت نمایندگی الکترونیک تحلیل شود.

ماهیت نمایندگی الکترونیک

برای سرعت و دقت در انعقاد قرارداد استفاده از سامانه‌های هوشمند و خودکار امری رایج و متداول در کل دنیا می‌باشد. با این وجود آیا سامانه هوشمند می‌تواند نماینده‌ی قانونی یا قضایی ایجاب کننده و مخاطب در تشکیل قرارداد باشد و آن‌ها را ملزم و متعهد به دستورهای صادره از این سامانه‌های هوشمند و سیستم‌های خودکار کند؟ در ابتدا چندین نظریه شاخص در خصوص ماهیت سامانه هوشمند مطرح است که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

¹ Access Contract

² Electronic representation or agency

بر اساس نظر اول، برخی برای سامانه هوشمند اعتبار حقوقی قائل اند (Weitzenboeck, 2001) و پذیرش اجتماعی سامانه هوشمند را باعث و مستلزم پذیرش شخصیت حقوقی آن توسط قانون دانسته و معتقدند که سامانه فقط به عنوان شخص ایفای وظایف می‌کند. نقدی که می‌توان بر این نظریه وارد دانست این است که نماینده حقوقی دارای اهلیت می‌باشد. ولی نماینده‌ی الکترونیکی شخص نیست که داری اهلیت باشد و موجود حقوق نیست و اگر از سامانه‌ی الکترونیکی به طور ناخواسته خطای سر بزند نمی‌توان سامانه را الزام به جبران خسارت فرد اصیل نمود (Bellia, 2001).

در نظر دوم، سامانه هوشمند نماینده نیست و همانند سایر وسایل ارتباطی مانند تلفن و تلگرام و غیره هست و صرفاً یک ابزار و وسیله برای انتقال اراده اشخاص می‌باشد (Weitzenboeck, 2001). مسلم است برنامه با هویت اصل ساز وارد معامله و قرارداد می‌شود و قرارداد برای اصل ساز و به نام او منعقد می‌گردد (Smith, 2002). از این جهت ایجاب‌کننده و مخاطب از فعالیت‌های سامانه هوشمند اطلاع دارند و انتقال داده پیام برای ایجاب و قبول همانند نامه الکترونیکی و به صورت مکاتباتی تلقی می‌شود.

سومین نظر این است که سامانه هوشمند نماینده و وکیل کاربر می‌باشد و آن را مانند یک شخص به عنوان نماینده می‌توان در نظر گرفت (Fischer, 1997). باز نقدی که باید در اینجا متذکر شد این است که نماینده وکیل تلقی می‌شود و طبق تعریف نمایندگی و وکالت باید داری اهلیت باشد.

به نظر بحث نمایندگی از طریق سامانه هوشمند منتفی می‌باشد، زیرا سامانه هوشمند نماینده شخص در قصد و اراده انشاء نیست و یک هوش مصنوعی است که جایگزین شخص می‌شود. اعطای نمایندگی اصولاً در مورد سامانه هوشمند امکان ندارد چون این سامانه و نرم افزارها با اراده بشر طراحی و برنامه‌ریزی می‌شود که به نوعی یک ابزار واسطه‌گر است و اشخاص با خواست و اراده خود، ایجاب و قبول را در آن می‌گنجانند که اراده اصیل را اعلام کند، و باعث تشکیل و انعقاد خودکار قرارداد می‌گردد. لذا این سیستم خودکار نماینده اصیل نیست. زیرا فاقد اهلیت، قصد، رضا و اختیار درونی است که اینها از شرایط و ارکان صحت قرارداد می‌باشد. همان طور که فرزند خردسال واسطه‌گر انتقال اراده پدر خود شد در اینجا سامانه هوشمند نقش واسطه‌گر را ایفا می‌کند. بنابراین شخصی که فقط وسیله رساندن و ابلاغ اراده طرف معامله است در انعقاد قرارداد نماینده نیست بلکه رسول و پیام‌آور است (Katouzian, 1999).

در اینجا این سامانه هوشمند فقط نقش وسیله انتقال اراده کاربر یا همان اصل ساز را ایفا می‌کند و صرفاً برای سهولت در انتقال ایجاب و قبول است نه نماینده قانونی یک شخص، و این سامانه واسطه الکترونیکی برنامه‌ریزی شده بین دو شخص با چند شخص می‌باشد. افزون بر این موارد در ماده ۶۵۶ قانون مدنی در تعریف وکالت آمده است: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید» که به نوعی قیاس وکالت به نمایندگی الکترونیکی، توجیه آن بسی مشکل است. اگر چه قانون نمونه آنسترال در این باره تصریحی ندارد و قوانین کشور ایران نیز به بحث ماهوی این موضوع ورود پیدا نکرده است، اما در ماده‌ی ۱۸ قانون تجارت الکترونیک در بند «ب» سامانه هوشمند را «وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل ساز» معرفی کرده است. همچنین در بند «ب» ماده‌ی ۲ قانون یاده شده اصل ساز را منشأ اصلی داده پیام دانسته که داده پیام به وسیله او یا از طرف او تولید با ارسال می‌شود. اما شامل شخصی که در خصوص داده پیام به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد. پس هر شخصی که تولید کننده ایجاب از طریق داده پیام باشد اعم از شخص با سامانه هوشمند یا رایانه می‌توان آن را به عنوان طرف قرارداد بر شمرد، زیرا عبارت ماده ۲ عام است. همچنین در بند «م» شخص را اعم از حقوقی و حقیقی که سیستم رایانه تحت کنترل او می‌باشد معرفی کرده است نه اینکه سیستم نماینده قانونی باشد! ایرادی

دیگری که در این خصوص وارد است این می باشد که در کتب فقهی و نیز ماده ۱۹۱ قانون مدنی برای تشکیل هر قرارداد اشاره به «قصد انشاء» شده است که جزء ارکان هر قرارداد است. از اینرو این نرم افزار طراحی شده در سامانه هوشمند فاقد شعور است و دستور خود را با یک سری برنامه های الکترونیکی از انسان دریافت می نماید و نمی توان آن را نماینده یا وکیل در قصد ایجاب و قبول یا انشاء تلقی کرد و دارای حقوق و تکالیف یک شخص حقیقی و حقوقی دانست. با دقت در تعریف نمایندگی و قانون مسئولیت مدنی این امر به طور کامل روشن است، در حالی که اصیل خود این نرم افزار را طراحی کرده است و پای شخص ثالثی به عنوان نماینده در میان نمی باشد و تمام آثار و مسئولیت انعقاد قرارداد برای اصیل خواهد بود. مؤید این سخن در ماده ۶۲۲ قانون مدنی آمده است که: «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد». بنابراین تصور اهلیت و اراده در سامانه هوشمند غیر ممکن است و با کمی اغماض و پیچیدگی و تفاوت، به چشم یک واسطه مانند دیگر واسطه ها مانند تلفن، تلگرام، پست الکترونیک و غیره باید به آن نگریست و در این خصوص جای بسی تأمل است. باید متذکر شد که اگر شخصی به نمایندگی از شخص دیگر توسط سامانه هوشمند یا هر واسطه الکترونیکی دست به انعقاد قرارداد بزند، آن شخص نماینده قانونی تلقی می شود. همچنین قانون تجارت الکترونیک در ماده ی ۱۸ در بند «الف» بیان می کند که اگر «داده پیام» منسوب به اصل ساز، توسط اصل ساز و یا به وسیله شخصی دیگر ارسال شده باشد که از جانب اصل ساز مجاز به این کار بوده است، آن داده پیام منسوب به اصل ساز می باشد.

تشکیل قراردادها از طریق سامانه هوشمند

انجام اعمال حقوقی توسط نماینده یکی از موضوعات شناخته شده در نظام های حقوقی جهان است. انسان برای رفع احتیاجات خود به نهاد نمایندگی نیاز داشته تا از این طریق برخی از وظایف خود را که نمی توانسته و یا تمایل نداشته که شخصاً انجام دهد به دیگران محول نماید تا آن ها از طرف وی این وظایف را انجام دهند. این امر موجب صرفه جویی در وقت و هزینه شده و به فرد امکان می داده که در زمان واحدی به فعالیت های گوناگونی بپردازد و قراردادهای گوناگونی را از طریق افراد دیگری منعقد نماید.

نمایندگی سامانه هوشمند

نمایندگی در انعقاد قراردادها به رابطه حقوقی تعبیر شده است که «به موجب آن نماینده می تواند به نام و به حساب اصیل در انعقاد قراردادی شرکت کند که آثار آن به طور مستقیم دامنگیر اصیل می شود». در قراردادهایی که از طریق نمایندگی منعقد می شود، قصد انشا و اعلام اراده توسط نماینده ابراز می شود و بنابراین قصد و اراده نماینده، جزء ارکان عقد می باشد. بدین جهت نماینده باید اهلیت لازم را برای قصد انشا داشته باشد. نهاد نمایندگی غیر از واسطه ای است که فقط وسیله رساندن و ابلاغ اراده یک طرف معامله به طرف دیگر است. مثل این که فرزند خردسالی پیام پدر خود را به مغازه دار سر کوچه اطلاع و ابلاغ می کند (Katouzian, 2024).

در دنیای مجازی نیز محول نمودن برخی از وظایف به نماینده الکترونیکی به امری متعارف و مقبول مبدل شده است. «نماینده الکترونیکی»^۱ برنامه رایانه ای هستند که به صورت مستقل در برابر تغییرات موجود در اطراف خود عکس العمل نشان می دهد و مسائل خود را تا حد ممکن به صورت مستقل پاسخ می دهد. این برنامه رایانه ای به نحوی طراحی شده که نه تنها بر اساس ساختار اولیه اش بلکه با تجربه ای که به دست می آورد می تواند ساختار جدیدی را در رفتارش تدبیر و طراحی نماید که بدان «نمایندگی هوشمند»^۲ گویند (Nielsen et al., 2004).

¹. Electronic Agent

². Intelligent Agent

نماینده هوشمند به یک سامانه رایانه‌ای نرم افزاری یا سخت افزاری اطلاق می‌شود که دارای استقلال بوده به نحوی که قادر باشد بدون دخالت انسان اعمال حقوقی انجام دهد، با انسان‌ها و سایر عوامل ارتباط ایجاد کند، محیط اطراف خود را درک کرده و در برابر آن‌ها واکنش نشان دهد و نهایتاً توانایی داشته باشد که رفتار هدف محور از خود به نمایش گذاشته و ابتکار نشان دهد (Allen & Hunn, 2022). بنابراین نماینده هوشمند بدون دخالت انسانی و سایر عوامل به طور مستقل و خودکار عمل کرده و این امکان را فراهم می‌سازد که از طریق رایانه و در محیط مجازی قرارداد منعقد نماید (Kaplan, 2016).

یکی از ویژگی‌های اساسی نمایندگی هوشمند که آن را از دیگر تراکنش‌های الکترونیکی جدا می‌کند خصیصه استقلال و خود مختاری آن است که عمل و کنش او مبتنی بر دو عنصر تجربه و دانش به کار رفته در ساختار درونی او برای محیط‌های ویژه می‌باشد. این سیستم به طور خودکار، اعمال و کنش‌های خود را بر اساس تجربه‌ای که به دست می‌آورد توسعه می‌دهد.

به طور خلاصه ویژگی اساسی نماینده الکترونیکی را می‌توان چنین برشمرد: استقلال در عمل، قابلیت اجتماعی، واکنش پذیری، فعالیت حرفه‌ای، قابلیت تمیز و خردمندی. البته سابقه بررسی عملکرد نماینده الکترونیکی به دهه ۱۹۵۰ با پیشگامی مؤسسه فن آوری ماساچوست^۱، دانشگاه استنفورد و شرکت آی. بی. ام.^۲ برمی‌گردد (Rahbari & Rezaee, 2012). پرسش مهمی که در این جا در صدد پاسخ به آن هستیم، وضعیت حقوقی قراردادهای منعقد شده توسط نمایندگی هوشمند و اعتبار و لزوم این قراردادهاست که بدون مداخله انسان منعقد می‌شوند. به علاوه باید بدین سول نیز پاسخ داده شود که می‌شود این است که اگر این نوع قراردادها صحیح باشند، فرد اصیل در این قراردادها کیست و چه کسانی را می‌توان به این قراردادها متعهد دانست؟

اشکال مختلف تشکیل قرارداد توسط سامانه هوشمند

متناسب با درجه به کارگیری سامانه رایانه‌ای در انعقاد قرارداد و میزان دخالت عنصر بشری در آن، قراردادهایی که از طریق رایانه و در محیط مجازی منعقد می‌شود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف- «سامانه الکترونیکی به عنوان ابزار صرف»؛ دسته اول جایی است که یک انسان طبیعی به عنوان اصیل و یا به نمایندگی از یک شخص حقیقی یا حقوقی با استفاده از یک برنامه رایانه‌ای اقدام به تجارت الکترونیکی می‌کند که در این صورت رایانه صرفاً به عنوان یک ابزار در خدمت طرفین است که مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کنند.

ب- «سامانه الکترونیکی یک برنامه از پیش تعریف شده»؛ دسته دوم جایی است که طراح یک برنامه رایانه‌ای با تهیه یک برنامه مشخص این امکان را فراهم می‌سازد که معاملاتی با شرایط معین و از پیش تعیین شده منعقد گردد. در این روش سامانه رایانه‌ای در مقابل دریافت اطلاعات مشخص، واکنش خاصی را که توسط طراح و یا کنترل کننده از پیش تعیین شده است، از خود نشان می‌دهد. در این موارد، هر چند سیستم به صورت خودکار مطابق برنامه‌های از پیش تعیین شده کار می‌کند، اما صرفاً انتقال دهنده اراده، کنترل کننده آن است و در اتخاذ تصمیم نقشی ندارد.

ج- «سیستم خودمختار سامانه الکترونیکی»؛ دسته سوم جایی است که طبق یک برنامه رایانه‌ای، سیستم قادر است نه تنها به طور خودکار بلکه به طور مستقل و خود مختار اقدام به انجام تراکنش‌هایی نماید و ایجاب و قبول یک قرارداد را بدون دخالت یک شخص طبیعی با موفقیت

¹. Massachusetts Institute Tecnology (MIT)

². International Business Machines (IBM)J

انجام دهد. هوشمندی سیستم متکی به طراحی آن و داده‌هایی است که از تجربه‌های خود سیستم می‌گیرد که در برخی از نوشته‌ها بدان نمایندگی هوشمند و یا «نمایندگی نرم افزاری»^۱ نیز می‌گویند.

در دو دسته اول، سیستم رایانه‌ای صرفاً یک وسیله پیام رسان و واسطه در ابلاغ اراده و تراضی طرف معامله است و عنوان نمایندگی بر او صدق نمی‌کند تا شرایطی از جمله اهلیت، برای آن لازم باشد محل مورد بحث دسته اخیر است که سیستم هوشمند رایانه‌ای رأساً و بدون حضور عنصر بشری تصمیم گرفته و به انشای ایجاب و قبول مبادرت می‌کند. در خصوص این دسته از قراردادها، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از جهت مبانی حقوقی و قواعد فقهی، این سیستم هوشمند می‌تواند قرارداد منعقد کند و برای این کار اهلیت قانونی لازم را دارد. به عبارت دیگر آیا یک برنامه رایانه‌ای هوشمند می‌تواند به عنوان نماینده یک فرد اصیل به انعقاد قراردادها مبادرت کند (Weitzenboeck, 2001)؟

شناسایی نمایندگی هوشمند در اسناد بین‌المللی

با این که در مقدمه «دستور العمل تجارت الکترونیک»^۲ هدف از این مقررات را تسهیل امور اقتصادی و تجاری و حذف موانع حقوقی در مورد خدمات تجاری الکترونیکی آنلاین ذکر شده است؛ در این مقررات نمایندگی هوشمند به صراحت به رسمیت شناخته نشده است و این امر می‌تواند ناشی از اختلاف‌ها و ابهام‌هایی باشد که در مورد ماهیت نمایندگی هوشمند وجود دارد. شایان ذکر است که در نسخه‌های اولیه مقررات اتحادیه اروپا دولت‌های عضو موظف شده بودند که از هرگونه مانعی برای استفاده از سیستم نمایندگی الکترونیکی خوداری کنند؛ اما در نسخه نهایی، چه در متن اصلی و چه در حاشیه، حتی این اشاره مختصر نیز حذف شده است.

همچنین در دو قانون نمونه آنسیترال که در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ م به تصویب رسیده است، نیز چیزی در مورد نمایندگی هوشمند مطرح نشده است. با این حال در گزارش‌های آنسیترال آمده است که دلیل عدم ذکر قراردادهای خودکار در قانون نمونه آنسیترال این است که احساس نمی‌شد که انعقاد قرارداد از طریق داده پیام خودکار مشکلی داشته باشد.

با توجه به طرح نمایندگی هوشمند در برخی از سیستم‌های حقوقی و قانون‌گذاری در این زمینه، در زمان تهیه «کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی» این ضرورت احساس شد که گنجاندن مقرراتی در مورد این نوع قراردادها ولو خیلی کلی می‌تواند مفید باشد. از این رو در کنوانسیون بدون ذکر جزئیات صرفاً این امر مورد تأکید قرار گرفت که استفاده از سیستم نمایندگی خودکار و عدم دخالت شخص انسانی در انعقاد قرارداد مانعی در تشکیل قرارداد محسوب نمی‌شود. بر این اساس ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: «اعتبار یا قابلیت اجرای قرارداد منعقد از طریق ارتباط بین یک سیستم خودکار و یک انسان یا از طریق تراکنش‌های سیستم‌های پیام خودکار را نمی‌توان صرفاً به این دلیل که هیچ انسانی آن را بررسی و یا در آن مداخله نداشته و اعمال مزبور با قرارداد حاصله در نتیجه تراکنش‌های پیام خودکار واقع شده، رد نمود» (Kaplan, 2016).

قبل از تصویب کنوانسیون، دبیر کنوانسیون گزارش داده بود که در حال حاضر انتساب اعمال حقوقی در یک سامانه رایانه‌ای خود کار به یک شخص حقیقی و یا حقوقی بر این مبنا شکل گرفته است که سیستم داده پیام خودکار تنها بر اساس یک ساختار تکنیکی از قبل طراحی شده عمل می‌کند. اما در نسل آینده سیستم‌های اطلاعاتی خودکار این امکان وجود خواهد داشت که از طریق توسعه هوش مصنوعی به وضعیتی

¹. "Software Agent"

². E-commerce Directive.

نائل شد که یک سیستم هوشمند بتواند به وسیله تجربه حاصله، ساختار خود را اصلاح کند و با ساختار جدیدی را پدید آورد به نحوی که نه صرفاً به صورت «خودکار»^۱ بلکه به صورت «مستقل»^۲ عمل کند.

به همین دلیل، گزارش مزبور تأکید می‌کند که اصطلاح «نماینده الکترونیکی» که بعد از قانون نمونه تا به حال استعمال می‌شود صرفاً برای سهولت در کار بوده است؛ اما از جهت تحلیلی بین نمایندگی سامانه خودکار (مستقل) با نمایندگی که در کنوانسیون فروش کالا عنوان شده هیچ سنخیتی وجود ندارد و قواعد عمومی در خصوص نمایندگی در ارتباط با این سیستم‌ها، قابل اعمال نیست. بر همین اساس آنسیترا به عنوان قاعده متذکر می‌شود که آن شخص طبیعی و یا حقوقی که سیستم هوشمند مزبور را برنامه‌ریزی می‌کند باید تمام مسئولیت‌هایی را که داده پیام از طریق سیستم تولید می‌کند، متقبل گردد؛ به بیان دیگر ماده ۱۲ کنوانسیون، یک مقرر تسهیلگر است و نباید چنین تفسیر شود که سامانه رایانه‌ای هوشمند قابلیت داراشدن حقوق و تقبل مسئولیت را داشته باشد. هدف این ماده این است که به صراحت اعلام نماید که برای صحت قرارداد ضرورتی ندارد که انسان تمامی اعمالی که سیستم انجام می‌دهد و یا نتایج آن را مرور و مورد تأیید قرار دهد.

شناسایی نمایندگی هوشمند در اسناد بین‌المللی

همان طور که در بالا بدان اشاره گردید برای اعتبار و لزوم قرارداد، طرفین باید از لحاظ حقوقی اهلیت قراردادی داشته باشند. قصد و رضای طرفین عنصر اساسی برای اعتبار قرارداد است و قرارداد از آن جهت الزام آور است که طرفین آن را قصد کرده و به مفاد آن رضایت دارند. بر این اساس تنها اشخاصی که از منظر حقوقی صلاحیت ایجاد قرارداد را دارند می‌توانند قرار داد منعقد کنند که شامل اشخاص حقیقی و حقوقی است.

الف- اعتبار شخصیت حقوقی برای سامانه هوشمند

برخی از حقوقدانان برای سامانه هوشمند شخصیت حقوقی قائل هستند و به تبع آن اعتقاد دارند که سامانه هوشمند دارای اهلیت حقوقی برای انعقاد قرارداد می‌باشد. مطابق این نظریه هر سامانه نرم افزاری خودکار اهلیت لازم برای انعقاد قرارداد را به عنوان یک شخصیت حقوقی دارا بوده و برای انعقاد قرارداد صالح می‌باشد (Weitzenboeck, 2001). این دسته از حقوقدانان برای توجیه نظر خود دلایلی را عنوان کرده‌اند. از جمله این دلایل این است که شناسایی شخصیت حقوقی بر پایه نیازها و واقعیات اجتماعی بوده است و ضرورتی ندارد که از جهت اهلیت و تصمیم‌گیری با شخص حقوقی همانند یک شخص حقیقی برخورد شود. گروهی از اشخاص که هدف خاصی را دنبال می‌کنند می‌توانند انجمنی را تشکیل دهند که شخصیت آن، تماماً از تک تک افراد منفک باشد.

ب- سامانه هوشمند همانند سایر وسایل ارتباطی

سامانه هوشمند همانند دیگر سیستم‌های ارتباطی مثل تلفن و تلکس صرفاً یک ابزار برای انتقال اراده شخص است و این عقد سامانه هوشمند است، زیرا این کنترل‌کننده انسانی است که قرارداد را از طریق این وسایل ارتباطی منعقد می‌کند و اراده خود را اعلام می‌کند. در نتیجه این سیستم تنها انتقال دهنده اراده کنترل‌کننده خود می‌باشد (Weitzenboeck, 2001). مطابق این نظریه تمام مسئولیت‌های پیش‌بینی نشده بر عهده شخصی است که طراحی یا کنترل آن را به عهده دارد و یا از آن استفاده می‌کند. از امتیازهای این دیدگاه آن است که انگیزه قوی ایجاد می‌کند که کنترل‌کننده سامانه هوشمند را به نحو شایسته و دقیق برنامه‌ریزی و راه‌اندازی کرده و از آن استفاده نماید.

¹. Automatically.

². Autonomously

نقد وارد بر این نظریه این است که این سامانه - همان طور که از نام آن (هوشمند) پیداست - مثل تلفن و تلکس صرفاً یک ابزار برای اعلام قصد و اراده نیست، بلکه کاملاً با مذاکره هوشمند شرایط متفاوتی را به وجود می‌آورد که کاربر از آن بی خبر است (Allen & Hunn, 2022) و تعهداتی را برای او ایجاد می‌کند که کنترل کننده از اصل داده پیام و جزئیات آن ناآگاه است (Al-Dasughi, 2003). چگونه می‌توان کسی را ملزم به قراردادی کرد که از آن آگاهی نداشته است. این دیدگاه ناشی از عدم شناخت کافی از هوش مصنوعی^۱ و عدم باور به این امر است که سامانه هوشمند می‌تواند خود مستقیماً تصمیم بگیرد (Glatt, 1998).

ج- سامانه هوشمند بعنوان وکیل کاربر

نظریه دیگری که برای سامانه هوشمند مطرح شده اعطای نمایندگی به سامانه می‌باشد. این گروه اعتقاد دارند که سامانه هوشمند یک نماینده الکترونیکی خود مختار تلقی می‌شود. بر این اساس می‌توان برای سامانه که بدون دخالت انسان و به صورت هوشیار توافقی را ایجاد می‌کند، عملکردی همانند یک نماینده انسانی در نظر گرفت و به عنوان وکیل اصیل با آن برخورد کرد. پس همان طور که وکیل در انعقاد قرارداد خود رأساً مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کند و ممکن است موکل، عالم به جزئیات آن نباشد، همین طور چهل کاربر به جزئیات قرارداد از جهت حقوقی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ چون این وکیل است که قرارداد را منعقد می‌کند و آگاهی وی از شرایط و جزئیات قرار داد کفایت می‌کند (Fischer, 1997).

در توجیه این نظریه گفته‌اند که با توجه به تعریف وکالت به این که یکی به دیگری برای انجام امری نمایندگی می‌دهد (ماده ۶۵۶ قانون مدنی)، لفظ «دیگری» در این تعریف کلمه عامی می‌باشد که هم می‌تواند شامل شخص حقیقی و هم سامانه رایانه‌ای شود (Shakouri, 2005). به همین علت امکان انعقاد قرارداد از طریق نمایندگی الکترونیکی در «قانون متحد الشکل راجع به معاملات الکترونیکی» ایالات متحده آمریکا تصریح شده است.

۴. انعقاد قرارداد از طریق نماینده الکترونیکی

گاهی قرارداد از طریق سامانه پیام خودکار^۲ معروف به نماینده الکترونیکی^۳ منعقد می‌شود. مقصود از نماینده الکترونیکی برنامه‌ای رایانه‌ای است که از جانب کاربر خود اما مستقل و بدون دخالت انسانی، پیام‌های الکترونیکی را ارسال می‌کند یا به آن‌ها پاسخ می‌دهد^۴. اگر شخصی قصد فروش کالایی را داشته باشد، دستورهای لازم را به نماینده الکترونیکی خود داده شرایط ایجاب را تعیین می‌کند و نماینده الکترونیکی پس از مواجهه با کاربر انسانی یا نماینده الکترونیکی دیگری، پس از تبادل اطلاعات ایجاب را واقع می‌کند؛ سپس به انضمام قبول طرف مقابل، قرارداد منعقد خواهد شد.

شناخت نماینده الکترونیکی (تعریف، ماهیت)

پیش از بررسی فقهی و حقوقی نماینده الکترونیکی بررسی مفهومی و ماهیت آن لازم است.

1. Artificial Intelligent

2. Automated Massage System

3. Electronic Agent.

4. Anthony Belia, "Contracting with Electronic Agents."

پیشینه طراحی نمایندگان الکترونیکی به اواسط دهه پنجاه میلادی با پیشگامی مؤسسه فناوری ماساچوست، دانشگاه استنفورد و شرکت آی. بی. ام. باز می‌گردد.^۱ اما واضع اصطلاح نماینده الکترونیکی، یک متخصص رایانه به نام الیور جی. سلفریچ است (Khosrowpour, 2000). نماینده الکترونیکی رایج‌ترین اصطلاح در توصیف این برنامه رایانه‌ای است؛ اما واژه‌های دیگری چون نماینده هوشمند^۲، نماینده مستقل^۳ و نرم افزار هوشمند (Cruquenaire, 2001) و نیز گاه در اشاره به چنین ابزاری معمول هستند^۴.

در برخی تعابیر کلی، نماینده الکترونیکی به نرم افزاری اطلاق شده است که می‌داند چگونه اقداماتی به اندازه اقدامات یک شخص انجام دهد یا نرم افزاری است که می‌تواند فرمان‌های پیچیده کاربر انسانی را اجرا کند (Bellia, 2001). در برخی از تعاریف نیز توجه بیشتر به ویژگی‌های نماینده الکترونیکی معطوف شده است. انجمن فرانسوی استانداردسازی، آن را برنامه‌ای رایانه‌ای معرفی می‌کند که توانایی سازگار کردن خود با محیط را دارد؛ همچنین خودکار عمل می‌کند و ضمن نظارت بر خود، توانایی واکنش، یادگیری و انتقال اطلاعات را نیز داراست (Zainol, 1999).

در تعاریف قوانین مختلف که کم و بیش به یکدیگر شباهت دارند، نماینده الکترونیکی برنامه‌ای رایانه‌ای یا وسیله‌ای الکترونیکی خودکار است که جهت شروع به اقدام با پاسخ به پیام‌های الکترونیکی یا اجرای آنها، مستقل و بدون مداخله انسان عمل می‌کنند. در مجموع در تعریف نماینده الکترونیکی می‌توان گفت ابزاری است مستقل که بدون مداخله مستقیم عامل انسانی یا دیگر وسایل عمل می‌کند و بر اقدام‌ها و اعضای سازنده‌اش نظارت دارد.

به نظر می‌رسد همانگونه که از عنوان نماینده الکترونیکی بر می‌آید، این وسیله را باید نماینده‌ای دانست که مشمول قواعد حقوق نمایندگی است؛ اما باید دید این تحلیل تا چه اندازه با اصول نمایندگی همخوانی دارد. مطابق بند ۱ ماده ۱ مجموعه قواعد حقوقی نمایندگی آمریکا^۵، نمایندگی رابطه‌ای است میان اصیل و نماینده. در این رابطه نماینده شخصی است که با رضایت اصیل از جانب او و تحت نظارت وی عمل می‌کند. ماده ۱۹۸۴ قانون مدنی فرانسه نیز نمایندگی را بدین ترتیب تعریف کرده است: «توافقی است که به موجب آن شخصی (اصیل) به دیگری (نماینده) اختیار انجام دادن کاری را از جانب خود می‌دهد». به وضوح پیداست که نمایندگی رابطه میان دو شخص دارای اهلیت است؛ اما نمایندگان الکترونیکی از نظر قانونی، موجود حقوقی تلقی نمی‌شوند. بی‌شک نماینده باید نمایندگی خویش را بپذیرد. اما نماینده الکترونیکی چگونه می‌تواند قبول خود را اعلام کند؟

شوا بهوفر^۶ حقوقدان آلمانی پیشنهاد کرده است برای نماینده الکترونیکی، اهلیت قراردادی بدون اهلیت حقوقی قایل شویم؛ اما پذیرش چنین تفسیری که بیشتر صبغه تاریخی دارد، در حقوق کنونی وجهی ندارد؛ زیرا اهلیت قراردادی متضمن اهلیت حقوقی است و اگر شخصی مسئول امری نباشد، نمی‌توان او را دارای اختیار تلقی کرد (Wettig & Zehender, 2004). فیشر یکی از کارشناسان حقوق نمایندگان الکترونیکی معتقد است چون اعلام قصد از سوی نماینده الکترونیکی نامعقول است، باید این فرض قانونی را پذیرفت که اصل بر رضایت نماینده

¹. Russell & Norvig. Artificial Intelligence.

². Intelligent Agent..

³. Autonomous Agent

⁴. Russell & Norvig. Artificial Intelligence.

⁵. Second Restatement of Agency.

⁶. Schweighofer.

الکترونیکی است (Fischer, 1997)؛ اما صرف نظر از موانعی که بر سر اعمال قواعد نمایندگی وجود دارد، پذیرش چنین فرضی مستلزم دخالت قانون با رویه قضایی است.

ماده ۱۹۹۰ قانون مدنی حقوق فرانسه مقرر می‌دارد: «می‌توان صغیر ممیز را نماینده کرد. برخی با قیاس صغیر با نماینده الکترونیکی معتقدند قواعد حقوق نمایندگی در مورد نماینده الکترونیکی نیز می‌تواند اعمال شود» (Kis, 2004). باید خاطرنشان کرد که از مشخصات رابطه نمایندگی، ایفای تعهدات امانی از جمله تعهد به وفاداری و عمل با حسن نیت، حفظ اسرار و ... است. این ویژگی‌ها به سختی با نماینده الکترونیکی منطبق هستند (Bellia, 2001). افزون بر این نمی‌توان نماینده الکترونیکی را همانند صغیر، دارای اهلیت محدود تلقی کرد؛ زیرا بر خلاف صغیر نماینده الکترونیکی شخص به شمار نمی‌آید (Rahbari & Rezaee, 2012).

گفتگو از رابطه نمایندگی میان نماینده الکترونیکی و کاربر توجهی ندارد (Bellia, 2001). برخی دیگر از صاحب نظران نیز بر این باورند که باید نماینده الکترونیکی را نوع ویژه‌ای از نماینده با قواعد خاص خود تلقی کرد (Wettig & Zehender, 2004). پذیرش این رهیافت بدون تصریح قانون یا روبه سازی محاکم میسر نیست؛ اگرچه حتی با پذیرش آن، باز هم موانع مربوط به مسئولیت نماینده الکترونیکی به قوت خود باقی است.

نظریات مطروحه در خصوص نماینده الکترونیکی

یکی از نظریات مطروحه در این خصوص آن است که نماینده الکترونیکی را یک شخص حقوقی بدانیم که می‌تواند مثل سایر اشخاص حقوقی، صاحب حق و تکلیف باشد. نتیجه این نظریه تعمیم نظریه مسئولیت به آن خواهد بود. باید اذعان کرد که اگرچه هوشمند دانستن نماینده الکترونیکی با چالش خاصی مواجه نیست، از دیدگاه فلسفی و حقوقی نمی‌توان یک نرم افزار رایانه‌ای را واجد خودآگاهی دانست و به تبع آن، شخصیت حقوقی برای آن قایل شد؛ به ویژه آنکه نماینده الکترونیکی خود نفعی در انعقاد قرارداد ندارد تا حمایت از آن، لزوم اعطای شخصیت حقوقی را موجه جلوه دهد (Kis, 2004).

برخی محققان بر این باورند که نمایندگان الکترونیکی آن چنان در حیطه خود اهمیت یافته‌اند که استحقاق آن را دارند تا شخصی حقوقی قلمداد شوند و جامعه نیز به جهت قابلیت‌های تعاملی نرم افزار، آن را به عنوان شخص پذیرفته است؛ اما این عقیده به دور از واقعیت می‌نماید؛ چراکه نماینده الکترونیکی نمی‌تواند رفتارهای انسانی از خود نشان دهد و به نظر نمی‌رسد باور غالب جامعه، آمادگی پذیرش چنین ادعایی را داشته باشد. اشخاصی هم که در تعامل با نماینده الکترونیکی هستند، همواره به شخصی که آن را به کار گرفته است، نظر دارند (Matthias, 2004). برخی از نویسندگان با توجه به همین ایراد به وجود یک شخص اجتماعی مرکب از انسان و نرم افزار قایل شده‌اند. این نظر علاوه بر آنکه بسیار دور از ذهن است، به شکل نگرفتن تلقی اشخاص جامعه به این شخصیت مرکب نیز که بنیان اعطای شخصیت حقوقی است، توجه ندارد (Wettig & Zehender, 2004). مبنای دیگر برای شناخت شخصیت حقوقی نماینده الکترونیکی سهولت و مطلوبیت تجاری و حقوقی است. شناسایی شخصیت حقوقی از این جهت دارای مطلوبیت است که اشخاص را ترغیب می‌کند تا بدون دغدغه مسئولیت در قبال اعمال خطای نماینده به استفاده از آن بپردازند (Sharifi & Beyrami, 2018)، اما این نظریه از این نکته غفلت می‌ورزد که نماینده الکترونیکی فاقد یکی از مهمترین مشخصه‌های شخصیت (دارایی) است و در صورت حدوث مسئولیت، منبعی برای جبران خسارت وجود ندارد. از اینرو برای غلبه بر این معضل پیشنهاد شده است کاربر، مسئول خسارات ناشی از اقدامات نماینده الکترونیکی باشد؛ اما این باور آشکارا نقض غرض است و مزایای مترتب بر اعطای شخصیت مستقل به نماینده الکترونیکی را نفی می‌کند. در حقوق فرانسه با اعطای

شخصیت حقوقی به نماینده الکترونیکی مخالفت شده است. زیرا علاوه بر آنکه در شناسایی شخصیت حقوقی، وجود یک قرارداد کتبی و اعلان آن ضروری است (Eradical & Aqueron, 2000).

بهره‌مندی از دارایی، شرط اساسی شخصیت بخشی قلمداد می‌شود؛ در حالی که نماینده الکترونیکی دارایی مستقل ندارد. به هر حال این نظر نیز اگرچه بخشی از واقعیت را در بر دارد و متضمن آثار مطلوبی است، متناسب و منطبق با قواعد فعلی حقوقی نیست؛ هر چند نمی‌توان کتمان کرد که نظریه یادشده می‌تواند با تعدیلاتی راهگشا باشد.

در نظریه وسیله ارتباطی، نماینده الکترونیکی صرفاً ابزاری برای انعقاد معامله است و نقش تلفن و نمابر دارد. نماینده الکترونیکی در این نظریه، یک پیام رسان است که در اختیار کاربر قرار دارد و در شکل‌گیری قرارداد و محتویات آن بازیگر فرعی به شمار می‌آید. مطابق این نظر هر آنچه را از نرم افزار رایانه‌ای ناشی می‌شود، باید منتسب به انسان دانست (Winn & Wright, 2001).

به نظر می‌رسد اگر نماینده الکترونیکی به دقت مورد تحلیل عرفی واقع شود، می‌بینیم که قصد و نیت اشخاص در به کارگیری سخت افزارهای الکترونیکی چیزی جز ابزار انگاری نیست؛ در واقع نماینده الکترونیکی بر اثر برنامه نرم افزاری به صورت یک ابزار هوشمند عمل می‌کند و همین ویژگی باعث شده است در نگاه اول متفاوت از ابزارها دیده شود ولی با توجه به اینکه جز خواست کاربر را انجام نمی‌دهد و هیچ اختیار و انتخابی از او سر نمی‌زند، نمی‌توان در ابزار بودن آن شک کرد.

۵. نماینده الکترونیکی از منظر اسناد بین‌المللی، آرای قضایی و حقوق ایران

بیان شد که بحث قراردادهای الکترونیکی و ارتباطی که نمایندگی الکترونیم با آن دارد به جهت کاربرد گسترده و سرعت مطلوب، در تجارت و به طور ویژه تجارت بین‌المللی بسیار مورد اقبال است. بدین منظور باید اسناد بین‌المللی، آرای قضایی خارجی و داخلی و به همین نحو حقوق ایران در این خصوص نیز به عنوان حسن ختام بحث، اندکی مورد اشاره قرار بگیرد.

نماینده الکترونیکی از منظر اسناد بین‌المللی

تنظیم بازارهای دیجیتال، مانند هر مقررات اقتصادی و اجتماعی، مستلزم ایجاد توازن در سیاست‌ها، اهداف، اغلب بین آزادی‌های اقتصادی و سایر منافع سیاست عمومی است. همانگونه که در دنیای آفلاین، اقداماتی برای حفظ سلامت عمومی نظیر ممنوعیت فروش برخی کالاها یا مواد شیمیایی موجب محدود کردن ذاتی تجارت می‌شود، در دنیای آنلاین نیز باید مقررات یک چالش اساسی را اضافه بر محدودیت‌ها تجارت آفلاین در نظر داشته باشد و آن چالش اضافی بعد مسافت و انجام تراکنش‌های غالباً بین‌المللی است (Jaller et al., 2020).

مهم‌ترین سند بین‌المللی که به نمایندگان الکترونیکی می‌پردازد عهدنامه سازمان ملل متحد در خصوص استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی مصوب ۲۰۰۵ است این عهدنامه نظر به اهمیت روزافزون نمایندگان الکترونیکی از این فناوری غافل نمانده و در ماده ۱۲ مقرر داشته است: «اعتبار یا قابلیت اجرایی قراردادی که به وسیله تأثیر متقابل سامانه پیام خودکار و شخص حقیقی با اقدام‌های متقابل سامانه‌های داده پیام تشکیل شده، نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که شخص حقیقی هر یک از اقدام‌های خاص را که به وسیله سامانه‌های پیام خودکار یا قراردادهای منتج از آن بررسی نکرده یا در آن مداخله‌ای نداشته، مورد انکار قرار گیرد». با وجود مقرر فوق به نظر می‌رسد مانعی برای استفاده از سامانه‌های پیام خودکار در برقراری ارتباط یا تشکیل قرارداد وجود نداشته باشد. این ماده همچنین با موازین مندرج در عهدنامه بیع بین‌المللی کالا که در بند ۱ ماده ۹ به دو طرف اجازه می‌دهد قواعد حاکم بر معامله‌شان را خود برگزینند (برای مثال هنگامی که دو طرف

^۱. United Nation Convention on the Use of Electronic Communication in International Contracts.

با یکدیگر توافق میکنند از طریق فناوری تبادل الکترونیکی داده‌ها به برقراری رابطه یا انعقاد قرارداد بپردازند) منافاتی ندارد و در جهت تأیید و تقویت آن است.

مطابق ماده ۱ عهدنامه نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا نماینده باید شخص باشد و ماده ۱۶ نیز مسئولیت شخصی نماینده‌ای را که خارج از حدود اختیارات خود عمل کرده، مقرر داشته است. با توجه به خصوصیات نماینده الکترونیکی، بدیهی است که نمی‌توان آن را نماینده به مفهومی که کنوانسیون در نظر دارد، به شمار آورد.

قانون نمونه آنسیترال در خصوص تجارت الکترونیکی^۱ رویکرد صریحی به این مقوله ندارد؛ با وجود این به نظر می‌رسد که استفاده از سامانه پیام خودکار همسو با قواعد این سند است؛ چراکه در ماده ۱۳ با طرح قاعده کلی انتساب به این مسئله نیز توجه داشته است. به موجب بند ۲ (ب) این ماده، اگر داده پیام از طریق یک سامانه اطلاعاتی خودکار و برنامه‌ریزی شده که از جانب اصل‌ساز ارسال شود. درک این مسئله ساده است که نسل جدید سامانه‌های پیام خودکار این قابلیت را داشته باشند که خودکار، بلکه مستقل عمل کنند؛ بدین معنا که با تحول و پیشرفت در حیطه هوش مصنوعی، رایانه قادر خواهد بود از طریق تجربه یا یادگیری، خود به تنهایی و بدون مداخله عامل انسانی یا هر عامل دیگری، به ایجاد برنامه، اصلاح، تغییر و تجدید نظر در دستورها اقدام کند؛ به این ترتیب اصول کلی حقوق نمایندگی (برای مثال، اصولی که متضمن محدودیت مسئولیت ناشی از تقصیر نماینده‌اند) نمی‌توانند در ارتباط با عملکرد چنین سامانه‌هایی اعمال شوند. آنسیترال همچنین به این نتیجه رسید که یک شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مسئولیت هر گونه پیامی را که از طریق دستگاه‌های الکترونیکی رد و بدل می‌شود، برعهده دارد.

دستور العمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا^۲ نیز نمایندگان الکترونیکی را به رسمیت شناخته است و در ماده ۳ خود بیان می‌کند؛ دول عضو تضمین می‌نمایند که نظام حقوقی‌شان قراردادهای بسته شده توسط نمایندگان الکترونیکی را مجاز شمارند. دول عضو به ویژه این اطمینان را فراهم می‌آورند که شرایط قانونی قابل اعمال بر تشکیل قرار داد نباید موانعی برای استفاده از قراردادهای الکترونیکی ایجاد کند؛ به گونه‌ای که این امر موجب شود چنین قراردادهایی به دلیل آنکه توسط نمایندگان الکترونیکی تشکیل شده‌اند، معتبر و نافذ نباشند.

علاوه بر این‌ها در «اصول راهنمای آنکتاد در خصوص حمایت از حقوق مشتری» مصوب سال ۱۹۸۵ و در آخرین به روزرسانی آن در سال ۲۰۱۵، توصیه‌هایی برای حمایت از مصرف‌کنندگان آنلاین و بهبود شفافیت در معاملات آنلاین در این دستورالعمل و همچنین همکاری بین کشورها از جمله از نظر تبادل اطلاعات و فعالیت‌های اجرایی برای حمایت بیشتر از مصرف‌کنندگان صورت گرفته است. مؤسسه آنکتاد در سال ۲۰۱۶ به طور ویژه به مسئله قراردادهای الکترونیک و حقوق مشتریان پرداخت. در بندهای اول تا دهم از این اصول عمومی، فروشنده، حتی در صورت استفاده از نماینده الکترونیک ملزم به رعایت این اصول در ارائه کالا و خدمات خود پس از انعقاد قرارداد الکترونیک به مشتری است (Jaller et al., 2020).

نماینده الکترونیکی در آرای قضای خارجی

در خصوص نماینده الکترونیکی آرای قضایی اندکی وجود دارد که بررسی آن‌ها می‌تواند مبین رویکرد دادگاه‌ها به این پدیده باشد. یک دادگاه آمریکایی در دعوی معتقد بود که پاسخ سامانه خودکار رایانه فروشنده به ایجاب خریدار و صدور یک شماره پیگیری منجر به قبول نمی‌شود.

^۱. Uncitral Model Law on Electronic Commerce.

^۲. The European Directive on E Commerce /EC.

دادگاه چنین استدلال میکرد که فعالیت سامانه خودکار آن قدر پیچیده نیست تا هویت سفارش دهنده را تأیید یا میزان سفارش‌ها را کنترل کند و آن را به خریدار بالقوه اختصاص دهد. به نظر می‌رسد دادگاه اصل دخالت نماینده الکترونیکی در انعقاد قرارداد الکترونیکی را می‌پذیرد؛ اما حسب اوضاع و احوال خاص دعوا، قبول را محقق نمی‌داند. می‌توان به این رأی انتقاد کرد؛ چون توافق دو طرف در استفاده از ابزار الکترونیکی را نادیده گرفته و بیش از حد بر فرایند پیچیده و مطمئن انعقاد قرار تأکید کرده است. در نقطه مقابل، یک دادگاه آلمانی در سال ۲۰۰۳ اقدام نماینده الکترونیکی در پایین‌تر از مقصود فروشنده اعلام کردن بهای کالا را قبولی معتبر به شمار آورد و با الحاق آن به ایجاب خریدار، قرارداد را نافذ شمرد.

نماینده الکترونیکی در حقوق ایران

قانون تجارت الکترونیکی کشورمان در مورد تشکیل قرارداد از طریق سامانه‌های پیام خودکار با نمایندگان الکترونیکی، مقرره‌ای صریح ندارد؛ با این حال با استناد به پاره‌ای از مواد این قانون از جمله بند ص ماده ۲ (عقد از راه دور) می‌توان این فناوری را شناسایی کرد. وفق این ماده برای ایجاب یا قبول، وسیله یا شرط خاصی تعیین نشده است؛ از این رو می‌توان از وسایل الکترونیکی خودکار، برای این منظور استفاده کرد. بند م همین ماده نیز تعریف عامی از «شخص» عرضه کرده و آن را اعم از «... شخص حقیقی، حقوقی و سامانه‌های رایانه‌ای تحت کنترل...» ایشان دانسته است. سامانه‌های رایانه‌ای نیز در بند «و» ماده ۲ به «هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌های متصل سخت افزاری - نرم افزاری ... که از طریق اجرای برنامه‌های پردازش خودکار «داده پیام» عمل می‌کند»، اطلاق شده است. این بند و بند ب ماده ۱۸ در مورد امکان پذیرش تشکیل قرارداد از طریق سامانه پیام خودکار صراحت بیشتری دارند. به موجب بند اخیر، اگر داده پیام از طریق سامانه اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل ساز ارسال شود منتسب به او خواهد بود.

چنان که پیش تر در ماهیت نماینده الکترونیکی بیان شد، ماهیت آن ابزاری است و هیچ کدام از شرایط لازم در نمایندگی حقوقی را دارا نیست؛ بر این اساس معلوم است که نماینده الکترونیکی یک نماینده حقوقی نیست و این واژه در مورد آن با تسامح و مجازگویی به کار گرفته می‌شود؛ در نتیجه هیچ مسئولیت و تکلیفی متوجه نماینده الکترونیکی نیست و همان طور که در رویه مجامع دیگر دیده می‌شود، هر گونه تکلیف و مسئولیت متوجه اصل ساز و کاربران الکترونیکی است. شاهد مثال در یکی از پرونده‌های منتشره در سامانه ملی آرای قضایی در سطور بعدی بیان شده است.

در حقوق ایران ضمن خلأ قوانین و مقررات در خصوص موضوع کلی قراردادهای الکترونیک و البته تجارت الکترونیک، مسئله نمایندگی الکترونیک نیز با خلأ مواجه است و دادگاه‌ها همچنان از قواعد عمومی پیروی می‌کنند به طور مثال در یکی آرای منتخب شعب دیوان عالی کشور در سامانه ملی آرا در خصوص ایراد به صلاحیت رسیدگی به موضوع دعوا در دادگاه محل تحویل مبیع در قرارداد الکترونیک با این رأی روبرو می‌شویم که ذکر جریان پرونده نیز حاوی نکته جالبی است: «خلاصه جریان پرونده: شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج - *به موجب دادنامه شماره ۷۶۳۹ - ۲۳ - ۱۴۰۰، ۱۰، ۱۴۰۰ چنین اظهار نظر نموده است: «در خصوص دادخواست آقای ر. ش. فرزند ی. به طرفیت خواندگان ۱- آقای م. م. فرزند ا. ۲- خانم ا. ش. فرزند ج. م. به خواسته تسلیم مبیع (صدور حکم بر الزام خوانده به تحویل و تسلیم مبیع) مقوم به مبلغ ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، با این توضیح که خواهان طی مفاد دادخواست تقدیمی اظهار داشته که (ایشان یک دستگاه گوشی همراه مدل ایفون ۱۲ با مشخصات مندرج در دادخواست را از خواندگان در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ خریداری نموده و ثمن مبیع را به حساب خوانده ردیف اول واریز نموده و قرار بوده یک ماه بعد از تاریخ مذکور گوشی همراه را با گارانتی و ریجستری در *تحویل دهند ولی خواندگان از تحویل

مبیع استنکاف نموده‌اند فلذا تقاضای رسیدگی به شرح خواسته را دار ...) و خوانده ردیف اول طی لایحه‌ای مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ نسبت به صلاحیت این دادگاه ایراد نموده و اظهار داشته که (محل سکونت ایشان و محل انجام معامله در * بوده است. و تقاضای ارسال پرونده به دادگاه شیراز به عنوان مرجع صلاحیت دار را نموده است) علی‌هذا بنابر مراتب و پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن و ملاحظه مفاد دادخواست تقدیمی خواهان و لایحه ابرازی خوانده ردیف اول مبنی اینکه محل سکونت خوانندگان * می‌باشد. و با عنایت به خواسته خواهان (الزام به تحویل مبیع شامل یک دستگاه تلفن همراه) و اینکه هیچگونه دلیل و مدرکی مبتنی بر احراز انجام معامله در * ارایه نکرده است. و با عنایت به اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده جهت رسیدگی به دعوی مطروحه فلذا این دادگاه خود را صالح به رسیدگی ندانسته و مستندا به ماده ۱۱ و ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت محاکم عمومی حقوقی * صادر و اعلام می‌دارد. پرونده به مرجع ذیصلاح ارسال گردد».

متعاقبا شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز - * به موجب دادنامه شماره ۰۲۶۹ - ۱۱. ۱۲۰۱۴۰۰ چنین اظهار نظر نموده است: «در پی دادخواهی به عمل آمده ، از ناحیه شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج به شماره دادنامه ۱۴۰۰۴۱۳۹۰۰۱۸۲۷۶۳۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ در رابطه با دعوی خواهان آقای ر. ش. فرزند ی. به طرفیت خوانندگان: ۱ آقای م. م. فرزند ا. ۲ خانم ا. ش. فرزند ج. م. به خواسته الزام خوانده به تحویل و تسلیم مبیع به انضمام مطالبه خسارات دادرسی قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی * صادر گردیده است. در این ارتباط خواهان طی مفاد دادخواست تقدیمی اظهار داشته که: یک دستگاه گوشی همراه مدل ایفون ۱۲ با مشخصات مندرج در دادخواست را از خوانندگان در تاریخ ۲۵/۱۱/۹۹ خریداری نموده و ثمن مبیع را به حساب خوانده ردیف اول واریز نموده و قرار بوده یک ماه بعد از تاریخ مذکور گوشی همراه را با گارانتی و ریجستری در * تحویل دهند ولی خوانندگان از تحویل مبیع استنکاف نموده اند؛ فلذا تقاضای رسیدگی به شرح خواسته را دارم. در این خصوص بررسی اوراق پرونده حکایت از این دارد که خوانده ردیف اول طی لایحه‌ای در مورخ ۱۴۱۰/۱۰/۱۴ نسبت به صلاحیت دادگاه یاسوج ایراد نموده و اظهار داشته که محل سکونت وی و محل انجام معامله در * بوده و تقاضای ارسال پرونده به دادگاه شیراز را به عنوان مرجع صلاحیت دار نموده و شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج نیز به ترتیب یادشده طی دادنامه مبحوث عنه مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت نموده است. و این در حالی است که خواهان در دادخواست تقدیمی محل اجرای تعهد (تحویل) را * اعلام نموده و در عرف نیز در رابطه با خریدهای صورت گرفته از طریق پرداخت الکترونیکی مرسوم و متداول است. که تحویل در محل سکونت خریدار صورت می‌پذیرد و خوانده ردیف اول نیز در جریان لایحه تقدیمی به شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی یاسوج متعرض این مساله نگردیده است. بر این اساس نص صریح ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در باب اموال منقول متضمن صلاحیت محاکم عمومی حقوقی * به عنوان محل اجرای تعهد (تحویل) می‌باشد. و مذاقه در نص مذکور و نظر داشت ماده ۱۱ همین قانون حکایت از تجویز اقامه دعوی از سوی خواهان در محل انعقاد قرارداد ، محل اجرای قرارداد یا محل اقامت خوانده یا خوانندگان علی‌الاطلاق و البته بالاخرتیار دارد. به دیگر سخن منبعث از این مراتب در دعوی ما نحن فیه چنانچه خواهان ابتدا به ساکن محاکم عمومی حقوقی * را جهت اقامه دعوی بر می‌گزید، این تکلیف برای این دادگاه جهت رسیدگی حاصل می‌شد و بر سبیل ملازمه ، حالت عکس این وضعیت نیز صدق عنوان دارد. بر این بنیاد قرار عدم صلاحیت اصداری از سوی شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج مورد پذیرش این دادگاه نمی‌باشد. و مستند به مواد ۱۳۰۲۶ و ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی این دادگاه با نفی صلاحیت از خود قرار عدم صلاحیت به صلاحیت شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج صادر و اعلام می‌نماید. این رای نسبت به طرفین قطعی است». با وصول پرونده به دیوان

عالی کشور و ارجاع به این شعبه، هیات قضایی شعبه در تاریخ ۲۸-۰۲-۱۴۰۱ تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ح. عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده، مشاوره نموده و چنین رأی صادر می‌نماید: «رأی دیوان.

با توجه به مراتب فوق، نظر به اعلام محل سکونت خوانده و اینکه رجوع به دیگر مناطهای صلاحیت موقوف به احراز و اثبات است. درمانحن فیه وضعیت طرح دعوی و جریان فعلی آنها مواجهه با ابهام است. و قراردادی نیز ارایه نشده است؛ لذا استدلال شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان یاسوج * صحیح و منطبق با موازین قانونی می‌باشد. ، توجهها به مواد ۱۱ و ۲۶ و ۲۸/ تبصره ذیل ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن تایید استدلال مذکور، با اعلام صلاحیت شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز استان فارس حل اختلاف می‌گردد. شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور».

با توجه به این پرونده که در سامانه ملی آرای به عنوان سندی از رویه قضایی کشور منتشر شده است، به نظر می‌رسد در هنوز صلاحیت دادگاه در قراردادهای الکترونیک با وضعیتی مبهم روبرو است. درحالیکه نمایندگان الکترونیک در کشور ایران تحت نرم‌افزارها و برنامه‌های تلفن همراه خدمات‌رسان به ارائه خدمات فروش کالا، غذا، تاکسی اینترنتی و ... پرداخته و اگر در قالب یک شخص حقوقی فعالیت نمایند، مسئله انتساب مسئولیت بدانها ممتنع به نظر می‌رسد. حال آنکه استفاده از این نمایندگان الکترونیک به حدی رواج یافته که در زندگی ایرانیان به شکل امری روزمره تبدیل شده است. بر این اساس اقتضاء نیازهای شهروندان ایرانی می‌طلبد تا قانون‌گذار با سرعت بیشتری نسبت به ایجاد الزامات متناسب و پاسخگو با نیازها اقدام کند.

نتیجه‌گیری

یکی از عناصری که در انعقاد قراردادهای الکترونیکی نقش مهمی را ایفا می‌کنند، نمایندگان الکترونیکی هستند. در خصوص ماهیت نمایندگان الکترونیکی میان حقوقدانان در سراسر جهان اختلاف نظرهای زیادی مشاهده می‌شد. لکن بحث اصلی در این قضیه آن است که نهایتاً در قراردادهای الکترونیکی که از طریق نمایندگی الکترونیکی محقق می‌شوند، مسئولین را باید متناسب به چه شخصی دانست؛ اصیل یا نماینده الکترونیک. به علاوه چنانچه ماهیت نماینده الکترونیک تنها ابزار باشد و به تعبیر اصیل‌تر نماینده الکترونیکی را فاقد از شخصیت حقوقی بدانیم، مسئله انتساب مسئولیت به وی نیز منتفی است. چرا که چنانچه نماینده الکترونیک بخواهد جبران خسارت کند باید از دارایی بهره‌مند باشد. بهره‌مندی از دارایی، شرط اساسی شخصیت بخشی قلمداد می‌شود؛ در حالی که نماینده الکترونیکی دارایی مستقل ندارد. به هر حال این نظر نیز اگرچه بخشی از واقعیت را در بر دارد و متضمن آثار مطلوبی است، متناسب و منطبق با قواعد فعلی حقوقی نیست؛ هر چند نمی‌توان کتمان کرد که نظریه یادشده می‌تواند با تعدیلاتی راهگشا باشد. از طرفی با تحلیل عرفی که در جامعه از نماینده الکترونیک وجود دارد، به نظر می‌رسد، قصد و نیت اشخاص در به کارگیری سخت افزارهای الکترونیکی چیزی جز ابزار انگاری نیست؛ در واقع نماینده الکترونیکی بر اثر برنامه نرم‌افزاری به صورت یک ابزار هوشمند عمل می‌کند و همین ویژگی باعث شده است در نگاه اول متفاوت از ابزارها دیده شود ولی با توجه به اینکه جز خواست کاربر را انجام نمی‌دهد و هیچ اختیار و انتخابی از او سر نمی‌زند، نمی‌توان در ابزار بودن آن شک کرد. از طرفی نمایندگان الکترونیک در کشور ایران تحت نرم‌افزارها و برنامه‌های تلفن همراه خدمات‌رسان به ارائه خدمات فروش کالا، غذا، تاکسی اینترنتی و ... پرداخته و اگر در قالب یک شخص حقوقی فعالیت نمایند، مسئله انتساب مسئولیت بدانها ممتنع به نظر می‌رسد. حال آنکه استفاده از این نمایندگان الکترونیک به حدی رواج یافته که در زندگی ایرانیان به شکل امری روزمره تبدیل شده است. بر این اساس اقتضاء نیازهای شهروندان ایرانی می‌طلبد تا قانون‌گذار با سرعت بیشتری نسبت به ایجاد الزامات متناسب و پاسخگو با نیازها اقدام کند. به نظر می‌رسد در خلأ قوانین

داخلی باید با توجه به ماده ۱۲ «کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی» پذیرفت قراردادهای الکترونیکی به استفاده از نمایندگی الکترونیکی منعقد می‌شوند صحیح بوده و بر این اساس نیازی به تأیید تمام اعمالی که توسط نماینده الکترونیک انجام می‌شود، توسط انسان وجود ندارد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The rapid expansion of information and communication technology has transformed global commerce, introducing new mechanisms for the formation of contracts through electronic means. The emergence of electronic contracts, and in particular their conclusion through electronic agents, has raised complex theoretical and practical challenges in law. Traditional contracting in physical settings relies on human agents, whose legal personality and capacity to bind their principals are largely uncontroversial across jurisdictions. In contrast, when contracts are formed via electronic systems, the absence of explicit legal frameworks and the ambiguous status of electronic agents create uncertainty regarding their legal nature and the validity of their actions. The conceptual distinction between “electronic” as an adjective describing technological processes, and “electronic” as mistakenly used in some Persian legal texts, is critical for accuracy in scholarship and legislation (Moeen, 2006; Shakouri Moghaddam, 2005; Word Selection Group of Farsi Language and Literature Academy, 2008). This precision underscores how the choice of terminology reflects the difference between describing a branch of science and the adjectival form denoting the method by which transactions occur. Given the global reliance on e-commerce for efficiency, cost reduction, and market expansion, understanding the legal status of electronic contracts and their agents has become an urgent necessity. Iranian law has not fully addressed the unique characteristics of these contracts, particularly regarding issues of offer and acceptance, contractual capacity, and the determination of the time and place of contract formation in virtual spaces, which do not neatly align with the rules of traditional contracts (Habibzadeh, 2013; MaghamiNiya, 2012; Rahbari & Rezaee, 2012; Sharifi & Beyrami, 2018). The novelty of these questions in both Iranian and international law situates this study within a broader comparative inquiry into the evolving field of electronic transactions.

In analyzing electronic contracts, it is essential to distinguish among different forms based on subject matter, execution, and technological mediation. International doctrine has long recognized a differentiation between contracts pertaining to computer equipment and those created through computer-mediated communication (Rosas, 2004). Within electronic commerce, further distinctions emerge: some contracts are negotiated online but executed offline, while others involve both negotiation and execution entirely in the digital sphere. For example, access contracts, internet service agreements, and distance sales each present unique challenges regarding formation and enforcement (Börner et al., 2000). Equally crucial is the concept of electronic representation in contractual intent. The jurisprudential question is whether intelligent systems can truly act as legal representatives, or whether they merely function as conduits for human intent. Classical definitions

of representation emphasize the necessity of agency, consent, and capacity on the part of the representative (Amiri Ghaem Maghami, 1999; Bellia, 2001; Katouzian, 1999; Tarihi, 2018). Yet, when artificial intelligence systems execute tasks independently, their role blurs the boundary between tool and agent. Some scholars argue for recognizing the legal personality of intelligent agents (Weitzenboeck, 2001), while others view them as mere instruments akin to telephones or email (Smith, 2002). A third perspective analogizes them to legal representatives or attorneys (Fischer, 1997), though this raises unresolved questions about capacity and liability. This debate reflects a tension between the functional independence of intelligent agents and their lack of inherent volition, which complicates the application of agency law to digital contexts.

The growing use of intelligent agents has encouraged legislators and scholars to evaluate their role in contract formation, particularly regarding independence, reactivity, and adaptability. Intelligent agents are designed to operate autonomously, perceive their environment, interact socially, and adapt their behavior through experience (Allen & Hunn, 2022; Kaplan, 2016; Nielsen et al., 2004). These capabilities distinguish them from earlier automated systems and make them more than passive conduits of user intent. Historically, research into autonomous agents dates back to the mid-20th century with pioneering work at MIT, Stanford, and IBM (Rahbari & Rezaee, 2012). The legal challenge arises when such agents conclude contracts without human intervention, raising questions about the validity of such contracts and the attribution of legal responsibility. International instruments, such as the United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts (2005), address this issue by affirming the validity of contracts formed between automated systems or between automated systems and humans, regardless of human review (Kaplan, 2016). This recognition signals that the absence of direct human involvement does not negate contractual validity. Nevertheless, the deeper question persists: who is the principal bound by such contracts, and under what circumstances can liability be assigned?

The debate over the legal status of intelligent agents is reflected in multiple theoretical positions. One school of thought grants legal personality to intelligent systems, treating them as capable of entering contracts (Weitzenboeck, 2001), while another likens them to communication tools with no independent will (Al-Dasughi, 2003; Allen & Hunn, 2022; Glatt, 1998). A third approach treats them as agents authorized by users, comparable to attorneys acting on behalf of principals (Fischer, 1997; Shakouri Moghaddam, 2005). Each theory has practical implications for liability and enforcement. For instance, recognizing agents as tools places responsibility on the human controller, while granting them legal personality raises questions about their lack of assets for compensation (Kis, 2004; Matthias, 2004; Sharifi & Beyrami, 2018; Wettig & Zehender, 2004; Winn & Wright, 2001). Comparative jurisprudence reveals diverging trends: some scholars propose treating electronic agents as a new form of representative, while others reject this view as incompatible with established principles of agency. The French Civil Code, for example, requires representation to involve two capable persons (Eradical & Aqueron, 2000), while Iranian civil law emphasizes capacity and intent as prerequisites for agency, both of which intelligent agents lack. The result is an unresolved doctrinal debate that reflects broader tensions between technological innovation and traditional legal frameworks.

International and regional instruments have attempted to reconcile these issues through functional approaches. The UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce acknowledges the attribution of electronic data messages when sent through automated systems, thereby implicitly validating automated transactions. The European Union's E-Commerce Directive similarly ensures that contracts formed by electronic agents cannot be invalidated solely because of the absence of human

involvement (Jaller et al., 2020). UNCTAD's consumer protection guidelines further reinforce the principle that sellers remain bound by obligations regardless of whether they use electronic agents, emphasizing the primacy of consumer protection in online transactions. Judicial practice reflects this diversity of approaches: a U.S. court once ruled that an automated system's confirmation message did not constitute acceptance due to insufficient sophistication, whereas a German court in 2003 upheld a contract formed when an electronic agent mispriced goods, treating the error as binding on the seller. These divergent judgments illustrate the interpretive flexibility courts exercise in assessing the validity of electronically formed contracts. In Iranian law, the Electronic Commerce Act (2003) does not explicitly regulate electronic agency but permits contract formation via automated messages, treating them as attributable to the originator if issued under their control. This suggests a pragmatic approach: while intelligent agents are not recognized as legal persons, their actions are ultimately attributed to the human or legal entity deploying them.

The implications of this comparative study are significant for the harmonization of domestic and international legal systems. Iranian law currently treats electronic agents as tools rather than independent representatives, assigning responsibility to the users or originators of the data messages. International instruments, by contrast, increasingly recognize the validity of contracts formed by automated systems while refraining from granting them independent legal personality. This reflects a functionalist compromise: contracts are valid without human review, but liability remains with the human or legal person behind the system. The study demonstrates that while scholarly debate continues over whether electronic agents should be treated as legal persons, practical considerations such as consumer protection, enforceability, and the allocation of risk have led legislatures and courts to adopt pragmatic solutions. The evolution of artificial intelligence may challenge these solutions in the future, as systems become increasingly autonomous, but for now, the prevailing legal approach views electronic agents as sophisticated tools whose outputs bind their users rather than as independent actors.

In conclusion, the growth of electronic contracts and the increasing use of intelligent agents in commercial transactions compel lawmakers, courts, and scholars to re-examine foundational principles of contract and agency law. While international instruments have endorsed the validity of contracts formed by automated systems, Iranian law and jurisprudence remain cautious, treating such systems as mere instruments rather than legal actors. The lack of uniformity across jurisdictions highlights the need for greater harmonization, particularly given the cross-border nature of electronic commerce. This study underscores that electronic agents, though lacking independent legal personality, play a transformative role in modern contract formation, and that legal frameworks must evolve to balance technological realities with doctrinal integrity and the protection of consumer rights.

References

- Al-Dasughi, E. (2003). *Legal Aspects of Electronic Transactions*. Kuwait: Scientific Publishing Council.
- Allen, J., & Hunn, P. (2022). *Smart Legal Contracts: Computable Law in Theory and Practice*. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780192858467.001.0001>
- Amiri Ghaem Maghami, A. M. (1999). *Obligations*. Tehran: Mizan Publication.
- Bellia, A. J. (2001). Contracting with Electronic Agents. *Emory law Journal*, 50.
- Börner, F., Heitmann, D., Sengpiel, H., Strunk, W., & Zöllkau, C. (2000). *The German Internet Law Adviser: Legal and Tax Implications for E-Commerce*. Köln: Bundesanzeiger-Verlag.
- Cruquenaire, A. (2001). Electronic Agents as Search Engines: Copyright Related Aspects. *International Journal of Law and Information Technology*, 9(3). <https://doi.org/10.1093/ijlit/9.3.327>
- Eradical, M., & Aqueron, M. (2000). *Le Droit des Affaire en France*. Francias: Lebevfer.

- Fischer, J. P. (1997). Computers as Agents: A Proposed Approach to Revised U.C.C Article 2. *Indiana Law Journal*, 72.
- Glatt, C. (1998). Comparative issues in the formation of electronic contracts. *International Journal of Law and Information Technology*, 6(1). <https://doi.org/10.1093/ijlit/6.1.34>
- Habibzadeh, T. (2013). The Legal Status of Electronic Agents in Electronic Contracts (A Comparative Study). *Journal of Private Law Research Quarterly*, 2(5).
- Jaller, L., Gaillard, S., & Molinuevo, M. (2020). *The Regulation of Digital Trade: Key Policies and International Trends*. Washington D.C.: World Bank Group. <https://doi.org/10.1596/33164>
- Kaplan, J. (2016). *Artificial Intelligence: What Everyone Needs to Know*. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/wentk/9780190602383.001.0001>
- Katouzian, N. (1999). *Iranian Civil Law: General Principles of Contracts* (Vol. 1). Tehran: Sahami Enteshar Company.
- Katouzian, N. (2024). *Elementary Courses of Iranian Civil Law: Juristic Acts Contracts, Unilateral Acts*. Tehran: Ganj Danesh.
- Khosrowpour, M. (2000). *Challenges of Information Technology Management in the 21st Century*. USA: Idea Group Inc (IGI).
- Kis, S. (2004). *Contracts and Electronic Agents: When Commercial Pragmatism and Legal Theories Diverge*. Georgia: University of Georgia School of Law.
- MaghamiNiya, M. (2012). How to Conclude Electronic Contracts and Its Features. *Civil Law Journal*, 1(1).
- Matthias, N. (2004). *Agents and Computational Autonomy*. USA: Springer.
- Moeen, M. (2006). *Farhang Farsi*. Tehran: Honarvar.
- Nielsen, R., Jacobsen, S. S., & Trzaskowski, J. (2004). *EU Electronic Commerce Law*. Denmark: Djof Publishing.
- Rahbari, E., & Rezaee, A. (2012). The Role of Electronic Agents in Concluding of Contract. *Journal of Private Law Studies Quarterly*, 41(4).
- Rosas, R. (2004). Comparative study of the formation of Electronic Contracts in American Law with References to International and Mexican law. *Newcastle Law Review*, 8(2).
- Shakouri Moghaddam, M. (2005). *The Law of Electronic Commerce* (Vol. 1). Tehran: Zarreh Publication.
- Sharifi, S. E. A., & Beyrami, G. (2018). Intelligent Agent's Legal Nature in the Field of Electronic Contracts. *Journal of Legal Research*, 17(33).
- Smith, G. (2002). *Internet Law and Regulation*. London: Sweet & Maxwell.
- Tarihi, F. (2018). *Majma Al-bahreïn*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Weitzenboeck, E. M. (2001). Electronic agents and the formation of contracts. *International Journal of Law and Information Technology*(3). <https://doi.org/10.1093/ijlit/9.3.204>
- Wettig, S., & Zehender, E. (2004). A Legal Analysis of Human and Electronic Agents. *Artificial Intelligence and Law*(12). <https://doi.org/10.1007/s10506-004-0815-8>
- Winn, J. K., & Wright, B. (2001). *The Electronic Commerce Law*. USA: Aspen Publishers.
- Word Selection Group of Farsi Language and Literature Academy. (2008). *A Collection of Terms: Approved by the Academy of Persian Language and Literature* (Vol. 5). Tehran: Publishing Group of Persian Language and Literature Academy.
- Zainol, Z. A. (1999). Electronic Data Interchange (EDI) and Formation of Contract: A Malaysian Perspective. *International Journal of Law and Information Technology*, 7(3). <https://doi.org/10.1093/ijlit/7.3.256>